



AET2
Asian and Middle Eastern Studies Tripos, Part II

Friday 31 May 2019 9 to 12:00 pm

Paper MES32

Advanced Persian Language

Answer *all* questions.

Write your number ***not*** your name on the cover sheet of ***each*** answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 page answer booklet

Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS TO BE SUPPLIED FOR THIS EXAMINATION

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed to do so.

SECTION A

1. Read the following **unseen** passage and answer in **Persian** (using your own words) the **five** questions below [15 marks].

فلسفه زندگی

- ۱ فلسفه زندگی در مورد اهداف زندگی و حیات انسانی است. هدف انسان در زندگی، می‌تواند عامل محرک او باشد، هدفی که ممکن است مادی باشد، مانند به دست آوردن ثروت بیشتر، یا معنوی باشد، مانند به دست آوردن قدرت. در مورد اینکه هدف انسان از زندگی چیست، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:
- ۵ در دین‌های ابراهیمی مانند اسلام یا مسیحیت، باور بر این است که دنیا کشتزار آخرت است، و بر پایه کارهای ما در دنیا، در آخرت ما یا به بهشت می‌رویم یا به دوزخ. در دین‌های بودایی و هندویسم و برخی دین‌های آفریقایی، باور بر تناسخ است. یک گونه از تناسخ را می‌توان اینگونه گفت که زندگی مراحل مختلفی دارد. پایین‌ترین آن‌ها نیستی، و سپس به ترتیب جمادات، انسان و بالاتر از آن خداست، که در دین بودا آن را "نیروانا" می‌خوانند.
- ۱۰ روش تعیین هدف زندگی از منظر دیدگاه عقلی ریشه در نگرش یونانی دارد، و عده‌ای از اندیشمندان با بکارگیری قواعد منطق و با مفروضات و براهین، سعادت را تعریف کرده‌اند. برای نمونه، "ارسطو" سعادت را چنین تعریف می‌کند: «فعالیت عقلانی توأم با عالی‌ترین و کامل‌ترین فضایل در تمام عمر» و استدلال می‌کند که «فضیلت ملکه‌ای است که منحصراً موقوف به اراده ماست و متضمن حد وسطی از لحاظ ماست که از راه تعقل مشخص می‌شود» و به دو نوع اخلاقی و عقلانی تقسیم می‌گردد.
- ۱۵ واژه عرفان به معنی شناخت شهودی است که به ارتباط مستقیم و بدون میانجی انسان با وجود کل (خدا) می‌انجامد. از نظر عرفا، انسان می‌تواند با کشتن نفس (رها شدن از نفس اماره) و طی مراحل سیر و سلوک عرفانی، از حالت خودی به بیخودی و خلسه رسیده، و به خدا بپیوندد، و با او یکی شود.
- ۲۰ شادخواری (لذت‌گرایی) می‌گوید هدف زندگی فقط لذت بردن و خوشی است و تنها در این جهان است و بس و هیچ و پوچ است و سخن گفتن از معنی و مقصود زندگی تلاشی است بیهوده.
- ۲۵ از دیدگاه مارکسیسم، که خود را پرچمدار رهایی و دگرگونی سرشت انسانی می‌داند، زندگی، هدفی است در خود. مارکس در این مورد می‌گوید: «بالا بردن غنای سرشت آدمی هدفی است در خود». مارکسیسم هر نوع تلاشی را برای گشودن معضل زندگی بی‌ثمر می‌داند، مگر اینکه متکی باشد به مطالعه جامع علمی، مردمی، رفتاری و زیستی وجود انسانی و دگرگونی آدمی در رابطه با تکامل کلی زندگی و رابطه او با این سیاره خاکی و همه عالم هستی.
- ۳۰ دسته‌ای از متفکرین یا زندگی را منفی و پر ادبار می‌دانند یا آن را هیچ و پوچ و بی‌معنی می‌انگارند. به‌عنوان مثال، "شوپنهاور" فیلسوف قرون هیجده و نوزده آلمان بر آن بود که «روحی دیوانه، کور و تیره بر جهان حاکم است». این روح قوانین طبیعی و اجتماعی را باز پس می‌زند و هر نوع شناخت علمی و تحول تاریخی را

ناممکن می‌سازد. زندگی رو به سوی ادبار دارد و بشر را هیچ آینده‌ای نیست. پوچ‌گرایی دیدگاهی دیگر است که زندگی را مطلق هیچ و پوچ و هر نوع ایده مثبتی را در زندگی مردود می‌شمارد.

Adapted from an Article on the Philosophy of Life in <https://vaagooye.com/what-lives-philosophy/> (accessed on 16/01/2019)

Questions

- ۱) فلسفه زندگی از منظر دیدگاه دینی چیست؟
- ۲) فلاسفه چه نگرشی به زندگی دارند؟
- ۳) تفاوت دیدگاه مارکسیسم و عرفانی در مورد فلسفه زندگی چیست؟
- ۴) دیدگاه منفی گرایان به زندگی چگونه است؟
- ۵) نگاه شما به زندگی چگونه است و هدف از آن چیست؟

(TURN OVER)

SECTION B

2. Translate the following **unseen** passage into **English** [15 marks].

۱
جامعه ایران در سال‌های اخیر موجی از احساسات جمعی در خصوص برخی از چهره‌های نامدار سینمای قبل از انقلاب تجربه نمود که در مراسم خاکسپاری و اتفاقات مربوط به ممنوع تصویر بودن "ناصر ملک مطیعی" نمود بارز یافت.

۵
این قبیل از احساسات معطوف به دوران طلایی گذشته‌های دور و نزدیک را غالباً در چارچوب مفهوم "نوستالژی" دسته بندی می‌کنند. نوستالژی همزاد بشر است و نشان از سیر تاریخی تجربه‌های بشری است. بشر همچنان که حال را به آینده از طریق خیال بافی، آرزواندیشی و آرمانگرایی پیوند می‌زند حال را به گذشته از طریق نوستالژی و غم غربت می‌دوزد. بدین لحاظ، نوستالژی و آرمانگرایی دو روی سکه نارضایتی بشر از زمان خطی و وضعیت موجود و نماد رفت و برگشت بین گذشته طلایی و آینده آرمانی است. ۱۰

نقش محقق آن است که به جای اتخاذ رویکرد انتقادی به پدیده‌های اجتماعی همچون نوستالژی، ابتدا به رویکرد اکتشافی روی آورد و منطق درونی و عقلانیت نهفته در ظهور و بقای آنها را کشف کند و ثانیاً به استخراج نتایج ناخواسته آنها بپردازد.

۱۵
نوستالژی به ویژه در جوامعی همچون ایران، نشانی از تقاضایی ارضاء نشده است و نه بارقه‌ای پایدار از عرضه سبک جدید و متفاوتی از فکر یا زندگی. برای تبیین این مدعا، می‌توان از چندین بعد فلسفی، روانشناختی، تاریخی و سیاسی به نوستالژی نگریست.

۲۰
از وجه فلسفی، نوستالژی نمایانگر آسیب پذیری، شکنندگی و متناهی بودن بشر و میل او به غلبه بر این ویژگی‌ها از طریق بازگشت به اصل نامتناهی خویش است.

Adapted from, "nostalzi dar iran-e mo'aser",

<http://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-45901553> (accessed 15/01/2018).

3. Translate the following **unseen** passage into **English** [15 marks].

۱
شبحکابوس: ارادتمند، شبحکابوس هستم. شبح کابوس نه، ترکیب هر دو، شبحکابوس.
بعضی از آب و آتیش سرشته می‌شن، بعضی از گِل و لجن، بعضی از آه و دم،
خدمتگزار هم از شبح و کابوس! من امیدم البته این بود که سرکار با دیدن دوست
مشترکمون (به دیو اشاره می‌کند که سرگرم کار خویش است) خودتون بنده رو بجا
بیارین ... ۵

سودی: زنگ می‌زنم به پلیس!
شبحکابوس: اوه ... ظاهر ایشون حتماً هراسون کردن سرکار رو. از هیبت و
هیأتشون خوف نکنین شما. مگه بیت اون شاعر زشت رو نشنیدین که می‌گه صورت
زیبای ظاهر هیچ نیست؟ شغل اصلی این جناب اصولاً نویسندگیه! اسمشون اگه اجازه
بدن فاش کنم اون وقت خودتون به وسعت شهرت و محبوبیت ایشون پی خواهید برد ۱۰
استاد مدت‌هاست که قبول کردن تخصص خودشون در خدمت انسان‌هایی مثل خود
سرکار به کار بگیرن. البته جناب بر مبنای احتیاج هر واقعه‌ای که قبول سفارش می‌کنن
به تشخیص خودشون تغییر جنسیت می‌دن، موجودیت خودشون عوض می‌کنن و به
اشکال و انواع جورواجور در می‌آن... ۱۵

سودی: حوصله شوخی ندارم.
شبحکابوس: فکر می‌کنین ما داریم؟ اونم احضار شده از پشت نور؟ یعنی از یه فاصله
بعید؟ یعنی ... یعنی وقتی صدامون زدی شما، ما داشتیم از یه قرن عتیق رد می‌شدیم.
سودی: عتیق؟

شبحکابوس: از افسانه... از پیش از تاریخ یا ... راستش شماره قرنا رو اگه اشتباه
می‌گم باید بذارین به پای خراب شدن حافظه‌مون و رفت‌وآمدهای زیاد بیناقرنی! ۲۰

Adapted from: Iraj Jannati Ata'i, "raft-o bargasht (Cow)", Sonbole Publishing (2000),
ebook by Ketabnak, pp. 8-9.

(TURN OVER)

SECTION C

4. Write an essay in **Persian** of **about 400 words** on **one** of the following topics [**25 marks**].

- (a) What is the importance of one's mother tongue in shaping one's identity?
- (b) Write a letter to a hopeless person and guide him/her.
- (c) Discuss and criticise an Iranian film you have seen recently.
- (d) Explain the importance of Freedom of Speech and the role of the pen in revolutions.

END OF PAPER